تعبیر عرشی «أَمْ هُوَ سَاکِنٌ مَعَ‌ُفی أَحْشَائِهَا»

باراه گفته‌ام امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نهج البلاغه دو-سه سؤال مطرح کرده‌اند که ذهن بشر را باال می‌برند؛ هر کسی به اندازه فهم خودش.

> هَلْ تُحِسُّ بِهِ إِذَا دَخَلَ مَنْزِلاً أَمْ هَلْ تَرَاهُ إِذَا تَوَفَّى أَحَداً بَلْ كَيْفَ يَتَوَفَّى الْجَنِينَ فِي بَطْنِ أُمِّهِ؟ أَ يَلِجُ عَلَيْهِ مِنْ بَعْضِ جَوَارِحِهَا؟ أَمْ الرُّوحُ أَجَابَتْهُ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟ أَمْ هُوَ سَاكِنٌ مَعَ‌ُفِي أَحْشَائِهَا؟ كَيْفَ يَصِفُ إِلَهُهُ مَنْ يَعْجَزُ عَنْ صِفَةِ مَخْلُوقٍ مِثْلِهِ؟![1]

فرموده‌اند: جنین در شکم مادر می‌میرد. خُب وقتی می‌میرد ملک الموت که می‌خواهد روح او را بگیرد، به چه صورت به بچه دسترسی دارد؟ او که در شکم مادر است؟! حضرت فرمودند آیا از منافذ بدن، مثل بینی و دهن مادر، ملک الموت وارد می‌شود و به اندرون او می‌رود و به جنین می‌گوید که روحت را بده؟! «أَ يَلِجُ عَلَيْهِ مِنْ بَعْضِ جَوَارِحِهَا؟»؛ این سؤال اول بود و ساده‌ترین راه. ملک الموت سوراخی پیدا کند و به اندرون بدن مادر برود و ... . سؤال دوم این است: ای اینکه لازم نیست به اندرون برود، «أَمِ الرُّوحُ أَجَابَتْهُ بِإِذْنِ رَبِّهَا؟» بلکه ملک الموت او را دعوت می‌کند و او هم اجابت می‌کند؟ می‌گوید ای جنین، روحت بیاید؛ از همان بیرون بدن مادر، صدا می‌زند بیا و او هم می‌رود. این هم سؤال دوم است. آنچه که مقصود من است، این است: حضرت مطلب سنگینی را می‌گویند، ولی کسی که باید بفهمد، می‌فهمد. فرمودند نه، ملک الموت است، با تشکیلاتی که در این معارف دارد: «أَمْ هُوَ سَاكِنٌ مَعَ‌ُفِي أَحْشَائِهَا»؛ ملک الموت نباید بیاید و برود و از بینی و بدن او داخل شود، بلکه با جنین در اندرون مادر ساکن است؛ هر که باید بگیرد، گرفت. «أَمْ هُوَ سَاكِنٌ مَعَ‌ُفِي أَحْشَائِهَا»؛ اینکه ساکن است، یعنی اگر سونوگرافی کنیم یک چیز دیگری هم می‌بینیم؟! اگر حضرت می‌خواهند این را بگویند که خُب...! اما با این تعبیر «أَمْ هُوَ سَاكِنٌ مَعَ‌ُفِي أَحْشَائِهَا» دارند مرتبه طولی ملک الموت را می‌گویند. یعنی ملک الموت که می‌خواهد کار انجام بدهد، رفت و برگشتش، مکانی نیست که از سوراخ داخل شود، ای اینکه از بیرون بگوید بیاید؛ این‌ها توصیفاتی برای کسانی است که می‌خواهند معارف را شروع کنند. حال ما هم که می‌گوییم دماغ یک گیرنده و آنتن می‌خواهد، ای آنتنی که جذب امواج فیزیکی کند، ای اینکه من، خالصه به یک چیزی می‌رسیم که با فضای موارای امواج مرتبط می‌شود؛ ولی خالصه از آن جا می‌گیرد؛ «ساکن معه»؛ یعنی خالصه بشر می‌رسد و می‌بیند یک چیزی است که دیگر محدود به اینجا نیست؛ همان چنگ زدنی که فرگه می‌گوید، یک چیزی است که چنگ می‌زند.

---

[1] نهج‌البلاغه، صبحي صالح جلد : ۱ صفحه : ۱۶۷

بازبینی #4
ایجاد شده 16 سپتامبر 2024 14:32:17 توسط ... .
به روزرسانی شده 6 فوریه 2025 13:09:14 توسط ... .